

## سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت

حاتم حسینی\*<sup>۱</sup>، مریم گراوند<sup>۲</sup>

### چکیده

با نفوذ مدرنیته در ایران، نظام هنجاری در جوامع دچار دگرگونی شده و الگوهای سنتی، به‌ویژه الگوی خانواده، هم‌زمان دچار تحولات مختلفی گردید؛ به‌طوری‌که در طول دهه‌های اخیر میانگین سن ازدواج دختران افزایش یافته است. این نوشتار، با عنایت به این تحولات، درصدد اندازه‌گیری میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج و تعیین‌کننده‌های آن در شهر کوهدشت است. ساکنان این منطقه از نظر ترکیب قومی و فرهنگی لُر و لُکانند. فقر مطالعات در زمینه الگوهای ازدواج در میان زنان این گروه قومی ضرورت این مطالعه را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. داده‌ها حاصل پیمایشی است که در فروردین ۱۳۹۲ بر نمونه‌ای بالغ بر ۳۹۵ زن حداقل یک بار ازدواج کرده ساکن در خانوارهای معمولی شهر کوهدشت صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تصادفی، و تصادفی سیستماتیک است. نتایج از بروز شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران حکایت دارد. میانگین سن ازدواج ترجیحی زنان برای دختران در میان ۶۳ درصد از افراد نمونه، متفاوت از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است. شکاف‌ها عمدتاً در جهت منفی است. بیش از ۸۰ درصد زنان میانگین سن ازدواج ترجیحی‌شان برای دختران بیشتر از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است. بر پایه این بررسی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان، و سن پاسخگویان بیشترین تأثیر را در میزان شکاف بین رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج دارند. نتایج بیانگر این واقعیت است که ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، جمعیتی، و عوامل و زمینه‌های قومی-فرهنگی، تبیین بهتری از شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج به‌دست می‌دهد.

### کلیدواژگان

خانواده، زنان، سن ازدواج، شاخص شکاف، کوهدشت، نوسازی.

### مقدمه

در طول چند دهه گذشته، نوسازی اثرات انکارناپذیری بر رُخساره زندگی اجتماعی انسان، از جمله

h-hosseini@basu.ac.ir

۱. استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

maryam.geravand@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۳۰

خانواده و ازدواج، گذاشته است. نوسازی الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده را در جوامع کمتر توسعه یافته به سمت مدل خانواده غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن و آزادی در انتخاب همسر و... پیش برده است. برخی از صاحب‌نظران [۱۸، ۶، ۸] بر این باورند که نوسازی، تغییرات فناوری، و توسعه و موقعیت اجتماعی موجب بروز تغییراتی در ارزش‌ها و ترجیحات شده است. این تغییرات به نوبه خود به تغییراتی در رفتار افراد منجر شده است. شواهدی مبنی بر اینکه در بسیاری از نقاط جهان نوعی تغییر اساسی در رفتار و ایستارهای افراد نسبت به ازدواج و نیز برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده صورت گرفته، وجود دارد [۵].

از ابتدای قرن بیستم، الگوی سنتی خانواده در ایران، با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، به تدریج رو به تغییر نهاد و این تحولات منجر به تغییراتی در درون خانواده شد. یکی از حوزه‌های این تغییرات سن ازدواج است. میانگین سن ازدواج زنان در ایران به تدریج افزایش یافت و از ۱۹۰۷ سال، در سرشماری ۱۳۵۵، به حدود ۱۹۰۹ سال، در سرشماری ۱۳۶۵، رسید. از سال ۱۳۶۵ به بعد، افزایش میانگین سن ازدواج زنان شتاب بیشتری گرفت؛ به طوری که با ۱۷۶ درصد افزایش به ۲۳/۴ سال، در سرشماری ۱۳۹۰، رسید [۱۳]. این روند، پس از قرن‌ها تجربه ازدواج زودرس، پدیده‌ای مهم در حوزه تغییرات اجتماعی به شمار می‌آید. افزایش میانگین سن ازدواج و گسترش تجرد قطعی، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده و به دنبال آن نابسامانی در سطح جامعه خواهد شد [۴].

تفاوت‌های بین فرهنگی در اجتماعات انسانی سبب شده است این تغییرات و تحولات ماهیت نسبتاً متفاوتی داشته باشند. اندازه تغییرات و تعیین‌کننده‌های آن نه فقط از یک کشور به کشور دیگر، بلکه در مناطق مختلف یک کشور نیز متفاوت است [۵]. شناخت این تحولات نقش بسزایی در مدیریت نظام فرهنگی دارد. از آنجا که گروه‌های قومی با پیش‌آمدگی‌های متفاوت در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی-اجتماعی قرار گرفته‌اند [۶]، انتظار می‌رود الگوهای ازدواج در میان آن‌ها متفاوت باشد. بی‌تردید، مطالعات زمینه‌ای در بسترهای گوناگون قومی- فرهنگی می‌تواند به درک عمیق‌تر تغییرات در رفتار و نگرش‌های مرتبط با ازدواج زنان و پیش‌بینی الگوهای احتمالی همسرگزینی در آینده کمک کند [۵].

مطالعات بسیاری در ایران به بررسی دلایل و عوامل افزایش میانگین سن ازدواج پرداخته‌اند. اگرچه در برخی از این تحقیقات [۵، ۱۰] تفاوت‌های ایجادشده در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج دختران بررسی شده است، در هیچ‌یک از آن‌ها میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران در قالب یک شاخص عملیاتی نشده است. هدف از این مقاله عملیاتی کردن میزان شکاف به وجود آمده در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن در محیط اجتماعی و فرهنگی شهر کوهدهشت<sup>۱</sup> و

۱. انتخاب شهر کوهدهشت برای میدان تحقیق دو دلیل عمده داشت: ۱. شهر کوهدهشت مرکز شهرستان کوهدهشت

در میان زنانی است که حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند. این تحقیق می‌کوشد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. رفتار زنان شهر کوهدشت در زمینه سن ازدواج چگونه است؟
۲. نگرش آن‌ها به سن مناسب ازدواج برای دختران چیست؟
۳. آیا در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج تغییری ایجاد شده است؟ میزان شکاف به وجود آمده چقدر است؟ عوامل و تعیین‌کننده‌های آن کدام‌اند؟
۴. با کنترل عوامل فرهنگی، نقش مشخصه‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی در تبیین شکاف به وجود آمده چگونه خواهد بود؟

### پیشینه تحقیق

یکی از حوزه‌ها و علایق مهم پژوهشی اندیشمندان اجتماعی مسائل و تغییرات ایده‌ای و نگرشی در حوزه ازدواج و خانواده بوده است. هریک از محققان سعی کرده‌اند از زاویه‌ای عوامل تغییرات خانواده و سازوکار تأثیرگذاری آن‌ها را بررسی کنند. عباسی شوازی و ترابی [۱۱] در بررسی تفاوت‌های بین‌نسلی از ازدواج خویشاوندی در ایران نشان دادند که به‌رغم تأثیرپذیری الگوی رفتاری و نگرشی نسل‌های مورد بررسی از جریان‌های نوسازی و شهرنشینی، الگوهای فرهنگی تأثیر پایداری بر الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران دارند. مالپوترا و همکاران [۲۳] در سریلانکا نشان دادند که نگرش‌های دختران و مادرانشان درباره ازدواج نسبتاً مدرن است. در تبیین این وضعیت، گسترش تحصیلات و استفاده از رسانه‌ها بسیار مهم بوده است؛ به گونه‌ای که در بستر جامعه‌ای که فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران و دختران بر ابعاد فردی ازدواج تأکید دارند تا ابعاد خانودگی. نتایج بررسی عسکری ندوشن و همکاران [۱۲] از اجماع و اتفاق نظر نسل مادران و دختران درباره سن مناسب ازدواج و همچنین مخالفت با چندهمسری مردان حکایت دارد. با این حال، نتایج نشان داد که تفاوت‌های بین‌نسلی معناداری در ایده‌ها و نگرش‌های مادران و دختران در ابعادی نظیر زمان‌بندی فرزند اول، ازدواج خویشاوندی، نحوه انتخاب همسر و مجردماندن وجود دارد. آن‌ها استدلال می‌کنند که چنین تفاوت‌هایی ناشی از تغییرات ایده‌ای و تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی از جمله آموزش، اشتغال، و خاستگاه شهری است.

حسینی [۵] نشان داد که در هر دو بُعد رفتاری و نگرشی تفاوت‌های معناداری در برخی

---

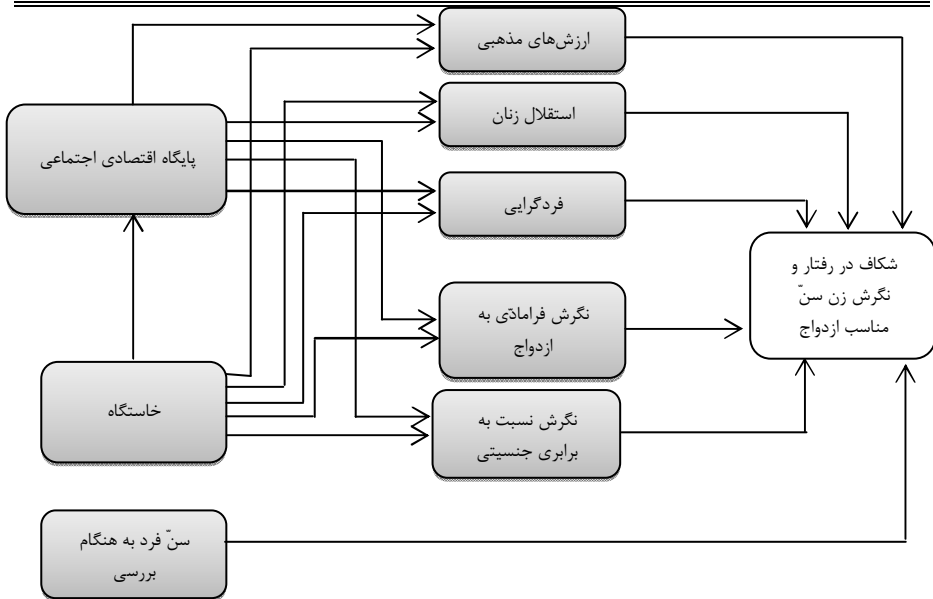
از توابع استان لرستان است. از نظر ترکیب قومی و فرهنگی ساکنان این منطقه لر و لک‌اند. فقر مطالعات در زمینه الگوهای ازدواج در میان زنان این گروه قومی ضرورت این مطالعه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ۲. با توجه به اینکه نویسنده دوم مقاله ساکن شهر کوهدشت است، پیش‌بینی می‌شد عملیات تحقیق و گردآوری داده‌ها با سهولت بیشتری انجام شود.

ابعاد مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در بین زنان گُرد و تُرک وجود دارد. بر پایه این بررسی، سواد و تحصیلات زنان، محل سکونت، و وضعیت اشتغال زنان بیشترین تأثیر را در تبیین تفاوت‌های قومی در نگرش نسبت به حداقل سن مناسب ازدواج برای دختران دارد. در بررسی دیگری، عباسی شوازی و خانی [۹] نشان دادند که با گذشت زمان در کوهورت‌های ازدواجی گروه‌های قومی و مذهبی، سن ازدواج و گزینش آزادانه همسر افزایش یافته و نسبت ازدواج خویشاوندی با کاهش اندکی همراه بوده است. بر پایه این بررسی، اگرچه تفاوت‌های قومی و مذهبی در الگوهای ازدواج از بین نمی‌رود و همچنان از نظر آماری معنادار است، تحت تأثیر مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی این تفاوت‌ها به شدت کاهش یافته است. آزادارمکی و همکاران [۱] و آزادارمکی [۲] تأثیر تحولات فرهنگی-اجتماعی بر ساختار درونی خانواده و نیز تفاوت‌های بین‌نسلی را با بررسی سه نسل مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که اگرچه برخی از سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر خانواده و نگرش‌های موجود به آن‌ها در نسل‌های متوالی دچار تغییر شده، هر سه نسل ویژگی‌های مشترکی در زمینه اهمیت ازدواج با خویشاوندان، همسان‌همسری اقتصادی، و... دارند.

گوین [۲۴] در تحلیل الگوهای سن اولین ازدواج مردان و زنان در ویتنام نشان داد که از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی بر اثر تغییرات اقتصادی، اجتماعی، و آشفستگی وقایع سیاسی رو به ضعف نهاده است. او توسعه سیستم آموزشی و افزایش سطح تحصیلات را عامل به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدید درباره ازدواج می‌داند. از سوی دیگر، اشتغال زنان در بخش غیرکشاورزی، افزایش درآمد، و در نتیجه استقلال اقتصادی آن‌ها از والدین تمایل زنان را به انتخاب آزادانه همسر تحت تأثیر قرار داده است. شکوری و آزادارمکی [۷] در بررسی ارتباط بین مدرنیته و تغییرات در درون خانواده تهرانی نشان دادند که خانواده تهرانی در جریان تغییرات اساسی قرار دارد و نسل‌های سه‌گانه در درون خانواده ضمن اینکه به لحاظ وضعیت تحصیلی، شغلی، و آرزوها متفاوت‌اند، تغییرات صورت گرفته در بعضی از عناصر ساختی خانواده در سه نسل با حرکت از ارزش‌های مادی به سمت فرامادی صورت گرفته است. محمدپور و همکاران [۱۴] تأکید می‌کنند که در نتیجه ورود عناصر نوسازی، خانواده کنونی مانند گذشته متأثر از عوامل درونی نیست، بلکه نیروها و عوامل بیرون از فرهنگ بومی به نهاد خانواده انتظام می‌بخشند.

تحقیقاتی که به آن‌ها اشاره شد عموماً به تفاوت‌های بین‌نسلی رفتارهای ازدواجی پرداخته و کمتر به بررسی شکاف میان الگوهای رفتاری و نگرشی افراد در حوزه‌های مرتبط با ازدواج و خانواده پرداخته‌اند. در این مقاله، ضمن سنجش میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران، به بررسی عوامل و تعیین‌کننده‌های آن نیز خواهیم پرداخت. شکل ۱ مدل تحلیلی تحقیق را نشان می‌دهد.

## 1. marriage cohort



شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

## ملاحظات نظری

تبیین‌های گوناگونی برای بررسی تغییرات خانواده و ازدواج از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است [۶، ۲۰، ۱۶، ۲۲، ۲۵، ۲۶]. در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان آن‌ها را در دو گروه طبقه‌بندی کرد: ۱. تبیین‌های ساختاری<sup>۱</sup> که تأکید بیشتری بر نقش تغییرات ساختاری جامعه در تبیین تغییرات خانواده دارند. ۲. تبیین‌های ایده‌ای<sup>۲</sup> که بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها در تبیین تغییرات خانواده تأکید می‌کنند.

نظریه‌های اقتصادی، که از آن‌ها با عنوان نظریه‌های انتخاب عقلانی<sup>۳</sup> نیز نام می‌برند، سعی دارند، با تکیه بر مدل‌های اقتصاد خرد کاربردی، به تبیین دلایل رفتار ازدواج بپردازند [۱۹]. این نظریه‌ها پایه خود را بیشتر بر این ایده می‌گذارند که منبع نهادی یک جامعه، به‌ویژه در سطح کلان ساختاری، بر رفتار تأثیر می‌گذارد، زیرا این منبع محرک‌هایی را برای برانگیختن رفتار تعریف می‌کند [۱۷]. در چارچوب انتخاب عقلانی، بافت و شرایط تعیین می‌کند که فرد تا چه اندازه در تعیین اولویت‌هایش و به همین سیاق تخصیص زمان و انرژی مخیر است. به بیان دیگر، این بافت و شرایط گزینه‌هایی را تعریف می‌کند که فرد می‌تواند از بین آن‌ها دست به

1. structural explanation
2. ideational explanation
3. rational choice theory

گزینش بزند [۲۶]. یکی از تبیین‌های ساختاری رایج و پُرکاربرد نظریه نوسازی یا همگرایی خانواده ویلیام گود [۲۰] است. طبق این نظریه، فرایند نوسازی موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، و توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات می‌شود. در طول نیم‌قرن گذشته، توسعه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت زندگی مردم را به‌طور بنیادین و با سرعتی غیر قابل پیش‌بینی تغییر داده است. رشد اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات، و متنوع‌شدن تعاملات انسانی منابع اجتماعی، شناختی، و مادی مردم را افزایش داده و آن‌ها را از نظر مادی و اجتماعی مستقل‌تر کرده است [۲۱].

نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد. در جریان نوسازی، خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. فرایند نوسازی با ترجیح خانواده هسته‌ای، فردمحوری در مقابل خانواده‌محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی، و ازدواج‌های با انتخاب آزاد امکان‌هایی را برای تغییر سبک زندگی افراد فراهم آورده است [۶]. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده، در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سرانجام به سمت مدل خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای‌بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین، و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت.

نظریه‌های جامعه‌شناختی، به‌عنوان نظریه‌های هنجاری، به تبیین تغییرات حاصله در خانواده در زمینه ارزش‌ها، خواسته‌ها، و انتظارات می‌پردازند. نظریه‌پردازان این نظریه‌ها در تحلیل‌های خود بر دنیوی‌شدن<sup>۱</sup>، فردگرایی<sup>۲</sup>، اهمیت روبه‌رشد استقلال و خودمختاری، و ایدئولوژی‌های جدید درباره نقش‌های جنسیتی تأکید دارند. این دسته از نظریه‌پردازان در عین حال که به تأثیر عوامل ساختاری و اقتصادی واقفاند و آن را به‌إهمال نمی‌گیرند، بیشتر بر این فرض‌اند که نوسازی، تغییرات فناوری، و توسعه شرایط اجتماعی موجب بروز تغییراتی در ارزش‌ها و ترجیحات شده‌اند که درنهایت همه آن‌ها تغییر در رفتار فرد را در پی داشته‌اند [۱۹]. جامعه‌شناسان درخصوص تغییرات خانواده بیشتر به نقش انقلاب صنعتی، مدرنیته، و تغییرات ارزشی ناشی از فرایند مدرنیته مانند فمینیسم<sup>۳</sup> اشاره می‌کنند. تورنتون [۲۶] معتقد است که فردگرایی اساس تغییرات خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است. فردگرایی به زنان اجازه می‌دهد که تصمیم آن‌ها درخصوص تشکیل خانواده و فرزندآوری بر علایق شخصی مبتنی باشد [۱۸].

در میان نظریه‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با ازدواج و خانواده می‌توان به نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم<sup>۴</sup> اشاره کرد. در جریان گذار جمعیت‌شناختی اول بُعد خانوار کاهش یافت. کاهش بُعد خانوار پیامدهای جمعیتی و اجتماعی به همراه داشت. این پیامدها زمینه را

1. secularization
2. individualism
3. feminism
4. Second Demographic Transition (SDT)

برای تغییرات ذهنی در میان خانوارها فراهم کرد. تغییرات ذهنی ناشی از گذار جمعیت‌شناختی اول به تدریج باعث تغییراتی در زندگی خانوادگی و زناشویی شد. این تغییرات در چارچوب نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم تئوریزه شد. به‌طور کلی، این نظریه تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های فرامادی<sup>۱</sup>، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی، را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند [۹]. این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی، و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث تغییراتی در نگرش و رفتار ازدواجی فرد شده‌اند [۴]. بنابراین، طبق نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی، و سیاسی اساس تغییرات صورت‌گرفته در تشکیل خانواده است. با همه این‌ها، سرایی [۶] در بررسی تغییرات خانواده در ایران، این تغییرات را حاصل تعامل مداوم نیروهای بیرونی و عوامل و وضعیت داخلی می‌داند. او بر این باور است که همواره یک توانایی در هر محل، نظیر ایران، وجود دارد که از میان عوامل و تأثیرات بیرونی بعضی را گزینش کند، به‌طورموقت بیازماید، و در نهایت درونی یا رد کند. بنابراین، تغییرات ایجادشده در دهه‌های اخیر همان‌قدر که تحمیل‌شده از خارج است، انتخاب‌شده و ایجادشده در داخل نیز هست. تغییرات اساسی در جامعه و مؤلفه‌های آن (از جمله خانواده)، از یک منظر در پی تحولات اساسی در تکنولوژی حاصل می‌شود، اما از طرف دیگر انتخاب‌شده از داخل نیز هستند.

## روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پیمایشی است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه<sup>۲</sup> ساخت‌یافته<sup>۲</sup> گردآوری شده است. جمعیت آماری، زنان ۱۵-۴۹ ساله حداقل یک بار ازدواج کرده خانوارهای معمولی ساکن در شهر کوههدشت است که بر مبنای نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۹۰ در داخل خانوارها شناسایی و مورد پرسش و مصاحبه قرار گرفتند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، شمار خانوارهای شهر کوههدشت برابر با ۹۹۲۹۶ خانوار گزارش شده است [۱۳] که از میان آن‌ها، و با استفاده از فرمول عمومی کوکران، حجم نمونه معادل ۳۹۵ خانوار تعیین شد.

## حجم نمونه و نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تصادفی، و تصادفی سیستماتیک

1. post materialist  
2. structured questionnaire

است. در گام نخست، نقشه شهر کوهدشت تهیه شد. بر اساس اطلاعات شهرداری کوهدشت، کل منطقه مورد بررسی به سه ناحیه غربی، شرقی، و جنوبی تقسیم شد که در مجموع دربرگیرنده ۹۰۶ بلوک است. بیشترین بلوک‌ها در ناحیه جنوبی واقع است. در مرحله بعدی، نمونه‌گیری تعداد بلوک‌های منتخب از هر خوشه بر اساس حجم آن‌ها انجام شد؛ یعنی متناسب با حجم هر خوشه، بلوک‌هایی به‌طور تصادفی انتخاب شد. برای انتخاب خانوارها در هر بلوک متناسب با حجم بلوک، به روش تصادفی سیستماتیک خانوارهایی از میان آن انتخاب شد. جدول ۱ تعداد بلوک‌ها و خانوارهای انتخابی در هر ناحیه (خوشه) متناسب با حجم ناحیه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعداد بلوک‌ها و خانوارهای انتخابی در هر ناحیه متناسب با حجم ناحیه

نام خوشه / ناحیه	شمار بلوک‌ها در هر خوشه	سهم هر خوشه از کل بلوک‌ها	شمار بلوک‌های انتخاب شده در هر خوشه	شمار خانوارهای انتخاب شده از مجموع بلوک‌های انتخاب شده در هر خوشه
غربی	۱۶۷	۱۸٫۰	۸	۷۲
شرقی	۱۳۸	۱۵٫۰	۶	۶۱
جنوبی	۶۰۱	۶۶٫۰	۲۶	۲۶۲
جمع	۹۰۶	۱۰۰	۴۰	۳۹۵

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش و تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌ها در دو سطح توصیف و تحلیل ارائه خواهد شد. در سطح توصیف، سیمای جمعیت نمونه با استفاده از شاخص‌های میانه، میانگین، و توزیع درصدی توصیف می‌شود. در سطح تبیین، از تحلیل دومتغیره مانند تحلیل واریانس، جداول تقاطعی و آماره‌های مقتضی و چندمتغیره مانند رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و آزمون مدل تحلیلی استفاده می‌شود.

### متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق شامل دو دسته متغیرهای مستقل و وابسته است. متغیر وابسته، میزان شکاف بین رفتار ازدواجی زنان در زمینه سن ازدواج و نگرش آن‌ها به سن مناسب ازدواج برای دختران است و اختلاف بین الگوی ازدواج مشاهده شده و تجربه شده زنان و الگوی مورد انتظار آن‌ها را در زمینه سن ازدواج نشان می‌دهد. این شاخص از طریق طرح دو پرسش و با استفاده از فرمول ذیل عملیاتی شد. ابتدا از پاسخگو پرسیده شد که برای اولین بار در چه سنی ازدواج کرده است. سپس، نظر وی درباره حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج برای دختران سؤال شد. در مرحله بعد، میانگین سن ازدواج ترجیحی (میانگین حداقل و حداکثر سن) برای دختران به‌طور جداگانه محاسبه گردید. درنهایت، اختلاف سن فرد هنگام اولین ازدواج با میانگین سن



ازدواج به دست آمده برای دختران محاسبه و با استفاده از رابطه<sup>۱</sup>، میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران عملیاتی شد.

شاخص شکاف از دو مؤلفه تشکیل شده است: علامت و عدد جلوی آن. علامت نشان‌دهنده جهت اختلاف است. عدد جلوی علامت، که به صورت درصد بیان می‌شود، نشان‌دهنده میزان شکاف در رفتار و نگرش زن به سن مناسب ازدواج برای دختران است. این عدد می‌تواند مقادیر صفر، مثبت، و منفی به خود بگیرد. مقدار صفر بیانگر آن است که میانگین سن ازدواج ترجیحی برای دختران هیچ تفاوتی با سن پاسخگو در زمان ازدواج ندارد. مقادیر مثبت نشان از آن دارد که سن زن در هنگام اولین ازدواج بیشتر از میانگین سن ترجیحی برای ازدواج دختران است. در مقابل، مقدار منفی گویای آن است که میانگین سن ازدواج ترجیحی برای دختران بیشتر از سن پاسخگو به هنگام ازدواج است.

رابطه<sup>(۱)</sup>

$$AMGI = \frac{(AM_R - MPAG_D)}{AM_R} \times K$$

$AMGI$  شاخص شکاف در سن ازدواج،  $AM_R$  سن پاسخگو به هنگام اولین ازدواج،  $MPAG_D$  میانگین سن ازدواج ترجیحی برای دختران، و  $K$  عدد ثابت و ۱۰۰ است. متغیرهای مستقل (جدول ۲) شامل پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، سن زن به هنگام بررسی، خاستگاه شهری یا روستایی زنان (محل تولد)، ارزش‌های مذهبی، استقلال زنان، فردگرایی، نگرش به برابری جنسیتی، و نگرش فرامادی به ازدواج است. ارزش‌های مذهبی عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. استقلال زنان به عنوان وضعیت یا کیفیتی از اداره کردن خود، خود تصمیم‌گیری، و مستقل بودن تعریف شده است که ممکن است ارائه بهتر از درجه دسترسی، کنترل، و استقلال در تصمیم‌گیری را نشان بدهد.

در این تحقیق، استقلال زنان در سه بُعد استقلال در تحرک مکانی، استقلال تصمیم‌گیری در زمینه رفتارهای جمعیتی، و دسترسی به منابع اقتصادی خانواده و سایر جنبه‌های زندگی اندازه‌گیری شده است. فردگرایی نشان‌دهنده نوعی گرایش فکری است که براساس آن فرد، به دور از دخالت و داوری دیگران، تصمیم گرفته و روش خود را برمی‌گزیند. نگرش به برابری جنسیتی در قالب مفهوم باورهای جنسیتی جانت سالزمن چافتر<sup>۱</sup> تعریف شده و منظور از آن باورها یا ایدئولوژی جنسیتی مربوط به تفاوت‌های پایه و زیست‌شناختی در ماهیت مردان و زنان است [۲۷، ص ۱۸۸].

1. Janet Saltzman Chafetz

جدول ۲. متغیرهای مستقل بر حسب گویه‌ها و پرسش‌های تحقیق

نام متغیر / شاخص	گویه‌ها و سؤالات
نگرش نسبت به برابری جنسیتی	۱. زنان نیز همانند مردان می‌توانند به تحصیلات خود ادامه دهند. ۲. زنان نیز، همانند مردان، می‌توانند در خارج از منزل مشغول به کار شوند. ۳. مردان نیز باید در امور خانه به زنان کمک کنند. ۴. زنان نیز می‌توانند پست‌های مدیریتی را عهده‌دار شوند. ۵. زنان نیز، همانند مردان، باید در تصمیم‌گیری‌های خانواده مشارکت داشته باشند. ۶. زنان نیز، همانند مردان، باید در تصمیم‌گیری‌های محلی و ملی مشارکت داشته باشند. ۷. زنان نیز همانند مردان می‌توانند در فعالیت‌های سیاسی شرکت کنند. ۸. تربیت فرزندان در خانه صرفاً وظیفه زنان است.
فردگرایی	۱. در تصمیم‌گیری‌ها باید به ارزش‌های موجود در جامعه توجه داشت. ۲. بدون توجه به ارزش‌های مذهبی کاری را که درست بدانم انجام می‌دهم. ۳. مبنای تصمیم‌گیری، استدلال عقلی انسان است. ۴. ارزش‌های خانوادگی مهم است و طبق آن‌ها باید تصمیم گرفت. ۵. در تصمیم‌گیری‌ها، منافع فردی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهم. ۶. در اجرای تصمیم‌هایم همواره آداب و رسوم را مد نظر قرار می‌دهم.
نگرش فرامادی به ازدواج	۱. ازدواج موضوع مهمی است و نباید آن را دست کم گرفت. ۲. ازدواج مثل سایر مراحل زندگی است و فرقی با آن‌ها ندارد. ۳. آدم تا وقتی که عاشق طرف مقابل نشده است نباید ازدواج کند. ۴. بالاخره باید یک روزی ازدواج کرد. ۵. باید کسی را برای ازدواج انتخاب کرد که بتوان با او به آرامش رسید.
ارزش‌های مذهبی	۱. یکی از معیارهایی که باید در ازدواج حتماً در نظر گرفته شود، نگرش فرد مقابل به مذهب است. ۲. مخالف حضور زنان در جامعه هستیم، زیرا معاشرت‌های اجتماعی آنان با نامحرمان افزایش می‌یابد. ۳. تا چه حد با این حدیث موافقت: «مرد مدیریت خانواده را برعهده دارد و زن مدیریت داخل خانه را». ۴. برخی از علمای دینی مخالف تحصیل زنان هستند، زیرا آموزشی که به زنان داده می‌شود برخلاف دستورات اسلام است و منجر به فساد می‌شود. ۵. از نظر شرعی و دینی زن مسئولیتی برای مخارج خانه ندارد، بنابراین، نباید بیرون از خانه کار کند و باید امور خانه را سامان دهد. ۶. تا چه حد با این حدیث موافقت: «جهاد زن شوهرداری در بهترین شکل آن است».
استقلال زنان	ابعاد متغیر
	بعد تحرک مکانی
	دسترسی به منابع اقتصادی خانواده
	بعد تصمیم‌گیری
	برای رفتن به مطب پزشک یا مراکز بهداشتی، مراسم مذهبی، مسجد، منزل بستگان و دوستان، مراسم جشن و عروسی، مسافرت به روستا یا شهر آیا باید به شوهرتان بگویید و از او اجازه بگیرید یا می‌توانید به تنهایی به این محل‌ها بروید؟ نقش شما در تصمیم‌گیری برای خرید مواد غذایی، لوازم خانگی، و طلا و جواهرات چگونه است؟ (هیچ نقشی ندارد، نقش مشارکتی دارد، تصمیم کاملاً بر عهده اوست). درباره درآمد شخصی‌تان چگونه تصمیم می‌گیرید؟ (شخصاً تصمیم می‌گیرم، با مشورت همسر، شوهر به تنهایی) در زندگی شما چه کسی درباره شمار فرزندان، فاصله سنی بین فرزندان، روش مورد استفاده در پیشگیری از بارداری، و آموزش و تحصیلات فرزندان تصمیم

در خانواده	می‌گیرد؟ (زن به تنهایی، هر دو باهم، شوهر به تنهایی)
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه، این شاخص ترکیبی از متغیرهای تحصیلات، وضعیت شغلی، و درآمد است. ضرایب و امتیازات هریک از این متغیرها با توجه به وضعیت فرهنگی و اقتصادی خاص منطقه و بنیان‌های نظری تعیین شده‌اند و ممکن است این ضرایب در منطقه‌ای با وضعیت فرهنگی و اقتصادی دیگر جهت سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی سودمند نباشد. برای تهیه شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، تحصیلات با ضریب ۱، درآمد با ضریب ۱٫۵ و وضعیت شغلی با ضریب ۲ در هم ادغام شدند.
خاستگاه	از طریق پرسش درباره محل تولد زنان و در دو مقوله شهر و روستا عملیاتی می‌شود.
سن زن به هنگام بررسی	این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای و از طریق تفاضل تاریخ تولد زن از سال بررسی (۱۳۹۲) اندازه‌گیری شده است.

نگرش فرامادی به ازدواج برگرفته از مفهوم فرامادی گرایسی اینگلههارت<sup>۱</sup> [۳] و منظور از آن ارزش‌های ناظر بر کیفیت زندگی است. فرامادی‌گرایان کسانی‌اند که یک رشته از نیازهای دیگر مثل خودشکوفایی، عشق، و دلبستگی، که نیازهای سطح بالا هستند، برایشان مطرح است. این‌گونه افراد به گزینش و استقلال انسانی اهمیت زیادی می‌دهند و به احتمال قوی تأکیدشان بر دین و ارزش‌های دینی کمتر است.

## یافته‌ها

### سیمای جمعیت نمونه

نتایج نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان به هنگام بررسی کمی بیش از ۳۱ سال و میانگین سن آن‌ها به هنگام ازدواج کمی بیش از ۲۰ سال است. نسبت قابل توجهی از زنان (۸۰ درصد) قبل از ۲۵ سالگی و در فاصله ۱۰ تا ۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند. بر پایه این بررسی، بیشتر زنان خاستگاه شهری داشته و باسوادند. با این حال، اگرچه نسبت درصد زنانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند نسبتاً قابل توجه است (۳۶ درصد)، ۶۴ درصد زنان باسواد را افرادی تشکیل می‌دهند که تحصیلات دیپلم و پایین‌تر دارند. نتایج از مشارکت پایین زنان در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی خارج از منزل حکایت دارد. کمی بیش از ۷۶ درصد زنان اظهار داشته‌اند که غیرشاغل‌اند.

توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت شکاف (جدول ۳) نشان می‌دهد که حدود ۳۷ درصد افراد نمونه را آن‌هایی دربرمی‌گیرند که رفتار ازدواجی آن‌ها منطبق بر نگرش آن‌ها به سن ترجیحی ازدواج برای دختران است. نتایج از بروز شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب

1. Inglehart

ازدواج برای دختران در جمعیت مورد بررسی حکایت دارد. شکاف‌ها عمدتاً در جهت منفی و نشان از این واقعیت دارد که درصد قابل توجهی از افراد نمونه (۸۰٫۷ درصد) میانگین سن ازدواج ترجیحی‌شان برای دختران بیشتر از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است. توزیع زنان بر حسب شاخص *AMGI* متفاوت است.

در میان زنانی که مقدار شاخص *AMGI* آن‌ها مثبت است، بیشترین نسبت را افرادی تشکیل می‌دهند که اختلاف میان الگوی واقعی و مورد انتظار آن‌ها در زمینه سن مناسب ازدواج بین ۲۵ تا ۳۰ درصد است. در مقابل، بیشترین نسبت درصد زنان دارای شکاف منفی مربوط به آن‌هایی است که میانگین سن ازدواج ترجیحی‌شان برای دختران دست کم ۴۵ درصد بیشتر از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است.

جدول ۳. توزیع فراوانی و فراوانی نسبی جمعیت نمونه بر حسب وضعیت شکاف و میزان آن

فراوانی		وضعیت شکاف		
نسبی	مطلق			
۳۶٫۹۶	۱۴۶	بدون شکاف		
۶۳٫۰۴	۲۴۹	دارای شکاف		
۱۰۰٫۰۰	۳۹۵	جمع		
۳٫۶	۹	تا ۲۵	مثبت	نوع <i>AMGI</i> و طبقات آن
۱۰٫۴	۲۶	۲۵٫۱ تا ۳۵		
۵٫۲	۱۳	۳۵ و بالاتر		
۱۹٫۳	۴۸	جمع		
۲۶٫۹	۶۷	تا -۲۵	منفی	
۱۳٫۳	۳۳	۲۵٫۱ تا -۳۵		
۱۲٫۱	۳۰	۳۵٫۱ تا -۴۵		
۲۸٫۵	۷۱	۴۵- و بیشتر		
۸۰٫۷	۲۰۱	جمع		
۱۰۰٫۰۰	۲۴۹	جمع کل افراد دارای شکاف		

### تحلیل چندمتغیره

یکی از سؤالات بررسی حاضر این است که با کنترل عوامل فرهنگی، نقش مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی در تبیین میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران چگونه خواهد بود. برای پاسخ به این پرسش، با توجه به سطح سنجش متغیر وابسته، از تکنیک رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. ابتدا در مدل ۱ متغیرهای سن به

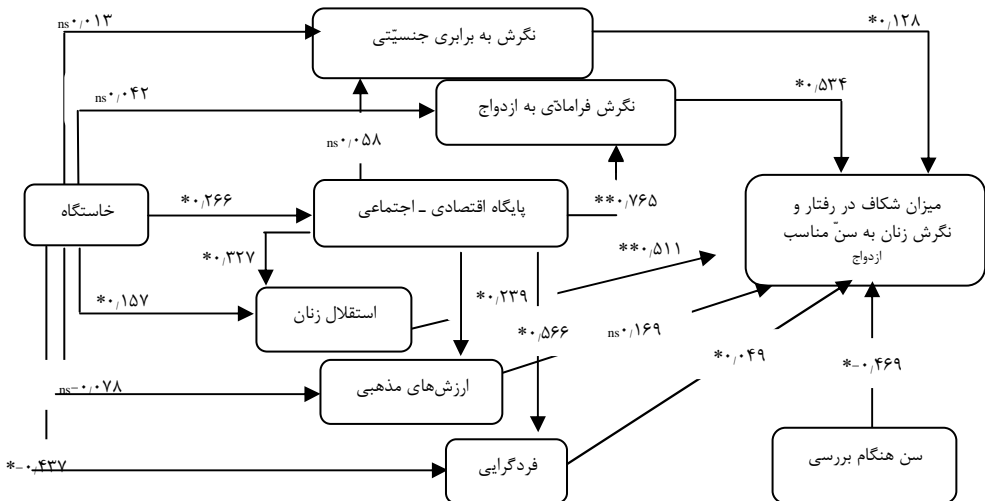
هنگام بررسی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و خاستگاه پاسخگویان (محل تولد) در معادله وارد شد. همان طور که در جدول ۴ می بینید، هر سه مشخصه از سطح معناداری قابل قبول برای حضور در معادله برخوردارند. مقدار ضریب تعیین در مدل ۱ نشان می دهد که این مشخصه ها در مجموع ۴۳/۸ درصد واریانس در میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران را تبیین می کنند.

مدل ۲، تأثیر هم زمان متغیرهای مدل ۱ را همراه مشخصه های فرهنگی نشان می دهد. نتایج حاکی از آن است که در میان مشخصه های فرهنگی، فقط سه متغیر نگرش فرامادی به ازدواج، نگرش نسبت به برابری جنسیتی، و استقلال زنان از سطح معناداری قابل قبول برای حضور در معادله در کنار مشخصه های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی برخوردارند. با ورود مشخصه های فرهنگی در معادله، اگرچه ویژگی های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی زنان همچنان از حضور معنادار در معادله برخوردارند، تاحدودی از ضریب تأثیر آن ها کاسته شده است. باین حال، لازم است گفته شود که هرچند با ورود مشخصه های فرهنگی در معادله رگرسیون تا حدودی از ضریب تأثیر متغیرهای مدل ۱ کاسته شد، مشخصه های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی همچنان حضور و تأثیر معناداری در معادله دارند. از سوی دیگر، با ورود مشخصه های فرهنگی به معادله، مقدار واریانس تبیین شده با ۳۶/۳ درصد افزایش به ۵۹/۷ درصد در مدل ۲ رسید.

جدول ۴. تأثیر مشخصه های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی در شکاف میان رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران با کنترل عوامل فرهنگی

داده ها				متغیر
مدل ۲		مدل ۱		
Beta	Sig.	Beta	Sig.	
-۰٫۲۲۷	۰٫۰۳۵	-۰٫۳۶۹	۰٫۰۰۴	سن هنگام بررسی
۰٫۵۰۱	۰٫۰۰۰	۰٫۵۲۲	۰٫۰۰۰	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۰٫۲۵۳	۰٫۰۲۹	۰٫۲۷۱	۰٫۰۱۲	خاستگاه
۰٫۲۸۷	۰٫۰۰۲			نگرش فرامادی به ازدواج
۰٫۱۸۶	۰٫۰۳۲			نگرش نسبت به برابری جنسیتی
۰٫۰۲۶	۰٫۰۹۱			فردگرایی
۰٫۰۴۵	۰٫۲۳۴			ارزش های مذهبی
۰٫۴۷۶	۰٫۰۰۱			استقلال زنان
				$R^2$ برای مدل اول = ۰٫۴۳۸
				$R^2$ برای مدل دوم = ۰٫۵۹۷

به طور کلی، نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر آن است که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، استقلال زنان، نگرش فرامادی به ازدواج، خاستگاه شهری یا روستایی زنان، و سن زن به هنگام بررسی به ترتیب از بیشترین ضریب تأثیر در معادله برخوردارند (جدول ۴). شکل ۲، نمودار ساخت روابط علی بین متغیرهای مستقل و کیفیت تأثیرگذاری آن‌ها بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیرهای مورد بررسی در یک رابطه تأثیر و تأثر، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند. در این میان، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان، سن زن به هنگام بررسی، نگرش نسبت به برابری جنسیتی، و فردگرایی به ترتیب به طور مستقیم و معناداری بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند. در مقابل، تأثیر ارزش‌های مذهبی غیرمعنادار است. برخی متغیرها مانند خاستگاه و پایگاه اقتصادی-اجتماعی تأثیرشان با واسطه و از طریق متغیرهایی است که به آن‌ها اشاره شد.



شکل ۲. نمودار مسیر عوامل و تعیین‌کننده‌های میزان شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران

\*\* = معنادار در سطح ۰/۰۵ \*\*\* = معنادار در سطح ۰/۰۱ ns = غیرمعنادار

شکل ۲ نشان می‌دهد که چگونه خاستگاه زنان با میانجیگری پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نگرش به برابری جنسیتی، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان، ارزش‌های مذهبی، و فردگرایی بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد که نیروهای نوسازی در تعامل با مشخصه‌های فرهنگی می‌توانند به طور متفاوت بر تغییرات خانواده و ازدواج تأثیر بگذارند. در میان متغیرهایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند، نگرش فرامادی به ازدواج ( $0.534^*$ )، استقلال زنان ( $0.511^{**}$ )، سن زن به هنگام بررسی ( $-0.469^*$ )، نگرش به برابری

جنسیتی (۰/۱۲۸)، و فردگرایی (۰/۰۴۹) به ترتیب از بیشترین ضریب تأثیر بر شکاف در رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برخوردارند. تأثیر محل تولد زنان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنها بر متغیر وابسته به صورت غیرمستقیم و ضریب بتای آنها به ترتیب ۰/۲۱۹ و ۰/۶۰۳ است. به طور کلی، نتایج بیانگر آن است که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان و سن زن به هنگام بررسی در مقایسه با سایر متغیرهای مدل از بیشترین ضریب تأثیر بر متغیر وابسته برخوردارند. ضریب منفی متغیر سن زن به هنگام بررسی نشان از این واقعیت دارد که شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج در میان زنان متعلق به گروه‌های هم‌دوره ازدواجی بالاتر در مقایسه با آن‌هایی که به گروه‌های هم‌دوره ازدواجی اخیرتر تعلق دارند کمتر است. نتایج از تأثیر ناهم‌زمان نیروهای نوسازی مانند سوادآموزی بر گروه‌های مختلف ازدواجی و در نتیجه دیدگاه متفاوت زنان متعلق به نسل‌های مختلف به سن مناسب ازدواج برای دختران حکایت دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

تغییرات صورت گرفته در حوزه ازدواج و خانواده، همانند بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی اجتماعی انسان، یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر زندگی در دنیای مدرن است. نوسازی و توسعه اقتصادی-اجتماعی از نیروهای اصلی نهفته در پس این تغییرات است. با وجود این، با توجه به ماهیت متفاوت اجتماعات انسانی نمی‌توان انتظار داشت که تغییرات در همه جوامع به طرز یکسانی ظاهر شده باشد. بی‌تردید، در اجتماعات چندقومی و چندفرهنگی، مانند ایران، تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل تغییر به‌طور ناهم‌زمان و در طول زمان خواهد بود. بنابراین، انتظار نمی‌رود که افراد در بسترهای مختلف قومی-فرهنگی به میزان یکسانی تحت تأثیر نیروهای نوسازی و عوامل اقتصادی-اجتماعی تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده قرار بگیرند.

هدف از این مقاله بررسی شکاف میان رفتار و نگرش زنان در خصوص سن مناسب ازدواج برای دختران در بستر اقتصادی-اجتماعی و قومی-فرهنگی شهر کوهدهشت است. در این زمینه، با تبعیت از سرایی [۶]، گفتیم که همیشه درجه‌ای از عاملیت در محل وجود دارد. در نتیجه، این پرسش را مطرح کردیم که در صورت کنترل تأثیر عوامل قومی-فرهنگی، نقش مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی در شکاف میان رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج برای دختران چگونه خواهد بود؟

نتایج نشان داد که تجربه ازدواج زنان از نظر شاخص سن ازدواج متفاوت از نگرش آنها در خصوص سن مناسب ازدواج برای دختران است. بر پایه این بررسی، در ۶۳ درصد جمعیت نمونه، رفتار ازدواجی زنان متفاوت از نگرش آنها در خصوص سن مناسب ازدواج برای دختران

است. مقادیر شاخص شکاف و ضرایب آن نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج ترجیحی بخش قابل توجهی از افراد برای دختران بیشتر از سن آن‌ها به هنگام ازدواج است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که هرچند همه مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی از سطح معناداری قابل قبول برای حضور در معادله برخوردارند، در مجموع ۴۳/۸ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. با ورود مشخصه‌های فرهنگی در معادله، مقدار واریانس تبیین شده به ۵۹/۷ درصد افزایش یافت و مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی همچنان از سطح معناداری قابل قبول برای حضور در معادله برخوردارند.

نتایج این بررسی حاکی از آن است که مشخصه‌های فرهنگی می‌تواند تا حدودی از تأثیر نیروهای مرتبط با نوسازی در ایجاد شکاف میان رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج برای دختران بکاهد، ولی به‌طور کامل آن را از بین نمی‌برند. نتایج تحلیل‌های چندمتغیره و تحلیل مسیر، دیدگاه‌سرای [۶] را مبنی بر اینکه تأثیر نیروهای نوسازی بر تغییرات و تحولات خانواده از مجرا و مسیر بسترهای قومی-فرهنگی ظاهر می‌شود تأیید می‌کند. در نتیجه، باید گفت ترکیبی از عوامل مرتبط با نوسازی و زمینه‌های قومی-فرهنگی تبیین بهتری از شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج به‌دست می‌دهد. بنابراین، تبیین تغییرات خانواده در ایران مستلزم انجام‌دادن مطالعات زمینه‌ای در بخش‌ها و مناطق مختلف کشور است. در نتیجه، با توجه به خاصیت چندقومی و چندفرهنگی جامعه ایران، انتظار می‌رود که در یک مقطع از زمان، اشکال گوناگونی از روابط و مناسبات زناشویی، الگوهای ازدواج و همسرگزینی، و نظام‌های خانواده در جامعه مشاهده شود. بر این اساس، نمی‌توان در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، به‌ویژه سیاست‌های معطوف به ازدواج و تشکیل خانواده، نسخه واحدی برای کل پهنه جغرافیایی ایران پیچید. متناسب با نوع تغییرات و سطح و شدت آن، سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

## منابع

- [۱] آزادارمکی، تقی؛ زند، مهناز؛ خزایی، طاهره (۱۳۷۹). «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۷، ص ۲۹-۳.
- [۲] آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰). «شکاف بین‌نسلی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۵۵-۷۰.
- [۳] اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، ج ۲، تهران: کویر.
- [۴] حبیب‌پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۹، ش ۱، ص ۳۴-۷.
- [۵] حسینی، حاتم (۱۳۹۱). «تفاوت‌های قومی در رفتار ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۵، ص ۲۸-۷.



- [۶] سرایی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، س اول، ش ۲، ص ۳۷-۶۰.
- [۷] شکوری، علی؛ آژادارمکی، تقی (۱۳۸۱). «مدرنیته و خانواده تهرانی»، *مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره ۲، ش ۳۰-۳۱، ص ۲۴۵-۲۶۸.
- [۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نی.
- [۹] عباسی شوازی، محمدجلال؛ خانی، سعید (۱۳۸۸). «الگوهای ازدواج، قومیت و مذهب: بررسی موردی زنان ازدواج کرده در شهر قروه»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۸، ص ۶۷-۸۶.
- [۱۰] عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاووشی، میمنت؛ مک‌دونالد، پیتیر؛ دلاور، بهرام (۱۳۸۳). «تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب»، معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- [۱۱] عباسی شوازی، محمدجلال؛ ترابی، فاطمه (۱۳۸۵). «تفاوت‌های بین‌نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۳، ص ۱۱۹-۱۲۶.
- [۱۲] عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمدجلال؛ صادقی، رسول (۱۳۸۸). «مادران، دختران، و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زن)*، ش ۴۴، ص ۷-۳۷.
- [۱۳] مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران: مرکز آمار ایران.
- [۱۴] محمدپور، احمد؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف؛ صادقی، رسول (۱۳۸۸). «مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماعات ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی»، *پژوهش زنان*، دوره ۷، ش ۴، ص ۷۱-۹۳.
- [۱۵] محمودیان، حسین (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴، ص ۲۷-۵۳.
- [16] Caldwell, J.C. (1982). *Theory of Fertility Decline*, London: Academic Press.
- [17] Coleman, J.S., T.J. Fararo (1992). *Rational Choice Theory, Advocacy and Critique*. London, Sage Publication.
- [18] Erfani, A.; Beaujot, R. (2006). "Familial Orientations and the Rationales for Childbearing Behavior", *Canadian Studies in Population*, 33(1), p 49-67.
- [19] Friedman, D.; Hechter, M.; Kanazawa, S. (1994). "A Theory of the Value of Children", *Demography*, 31(3), p 375-40.
- [20] Good, W. J. (1963). *World Revolution and Family Pattern*, New York: Free Press.
- [21] Inglehart, R., Ch. Welzel (2007). *Modernization, cultural change, and Democracy: the Human Development Sequence*, London, Cambridge university press.
- [22] Lesthaeghe, R. (1983). "A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An Exploration of Underlying Dimensions", *Population and Development Review*, 9(3): p 411-435.
- [23] Malhotra, A., A. Tsui., & V. de Silva, (1992). "Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka", Unpublished Report. In www.popline.org
- [24] Nguyen Hun, M (1997). "Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants", *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2): p 49-74.

- 
- [25] Oppenheimer, V.K. (1988). "A Theory of Marriage Timing", *The American Journal of Sociology*, 94: 563-591.
- [26] Thornton, A. (2001). "The Developmental Paradigm, Reading History Sideways and Family Change", *Demography*, 38(4), p 449-465.
- [27] Turner, S.P., & Roth, P.A. (2008). *The Blackwell Guide to the Philosophy of the Social Sciences*, Volume 2 of Blackwell Philosophy Guides, NY: Wiley-Blackwell.
- [28] Willekens, F.J. (1989). "Understanding the Interdependence between Parallel Careers", in: *Female Labour Market Behaviour and Fertility*, edited by J.J. Siegers, J. Jong-Gierveld, and E. van Imhoff, New York, New York/Berlin, Germany, Springer -Verlag, 1991, p 11-13.